

پاسخ نیاز جوانان به الگو و حامی

• دکتر ناهید بنی اقبال

استاد یار گروه کتابداری دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران شمال

دلسوزانه سرکار خانم دکتر انصاری این جانب در ساحت کتابداری پذیرفته شدم. این اولین گام هدایتی و حمایتی این انسان وارسته در کار حرفه ایم بود. لازم می بینم حکایت کنم که ایشان در همان زمان یعنی اواخر سال ۱۳۵۴ یا اوایل سال ۱۳۵۵ به کانادا مسافرت کردند و مدیریت گروه را کسی تقبل نمود که وقتی در پایان یک سال تلاش فشرده و پی گیر برای دریافت تأییدیه پایان تحصیل به ایشان مراجعه کردم، اولاً با این سؤال روبه روشدم که چگونه به شما این تعداد واحد درس داده شده، و مگر شما چه کسی هستید که من قبل از دریافت پایان نامه به شما گواهی فارغ از تحصیل بدهم تا نمره پایان نامه را ارائه ندهید صدور گواهی امکان پذیر نیست و باز چون صحبت از حامیان است، استاد راهنمای این جانب آقای سینایی فرمودند چه مقدار از کار پژوهشی را انجام داده اید و وقتی گزارش کار ارائه دادم، فرمودند: ماشینی کردن و صحافی را هم انجام خواهید داد. این گزارش نمره الف شماس است. وقتی این نامه را به مدیر گروه جدید ارائه دادم اظهار داشتند: «می بینم همه با شما همراهی دارند!»

همین جا مناسب است مقایسه استادان حامی را با مسدودکنندگان راه دانشجویان و یا عدم احساس همپاری و همکاری استادانی که هیچ گونه انعطافی نسبت به حل مشکل دانشجویان فعلی که محققاً همکاران آینده آنها هستند، نشان نمی دهند متذکر شوم.

پس از مدتی خانم دکتر انصاری از کانادا مراجعت فرمودند و باز به سمت مدیر گروه کتابداری دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران انتخاب شدند. در این زمان به عنوان مربی کتابداری از وزارت آموزش و پرورش به کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران منتقل و مشغول کار بودم.

شهریور ماه ۱۳۵۴ برای مصاحبه بعد از قبولی در کنکور کارشناسی ارشد کتابداری در دانشکده علوم تربیتی ساختمان شماره ۲ که محل استقرار گروه کتابداری واقع در میدان توحید اول خیابان پرچم بود حضور یافتیم. جلسه مصاحبه در حضور دو استاد آمریکایی سرکار خانم لورر و آقای دکتر هینز انجام گرفت و سرکار خانم دکتر انصاری در آن اثنا برای تذکری به این استادان در حدود چند ثانیه به این جلسه سرزدند و این اولین ملاقات با مدیر گروه کتابداری بود. ملاقات های بعدی هم اداری و زودگذر بود، اما مرتباً شاهد مشکلات و گره های کار هم دوره ها و دیگر دانشجویان بودم که با سرانگشت تدبیر، توجه و مهربانی ایشان یکی بعد از دیگری باز می شد تا اینکه نوبت به خودم رسید.

علت شرکت نگارنده در کنکور کتابداری عدم پذیرش دانشجویان در رشته روش تدریس زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم در آن سال بود. اما پس از گذراندن یک ترم تحصیلی در رشته کتابداری رشته روش تدریس زبان انگلیسی دانشجوی پذیرفت و به علت قبولی در این رشته و انصراف از ادامه تحصیل در کتابداری شرفیاب حضور مدیر گروه سرکار خانم دکتر انصاری شدم. ایشان پس از مدتی که با دقت و حوصله به عرایضم گوش فرادادند، فرمودند که با توجه به اظهار نظری که از استاد لورر درباره شما شنیده ام اگر کتابداری را به پایان برسانید احتمالاً کتابدار علاقه مندی خواهید شد. مضافاً به اینکه فعلاً قانونی وجود دارد که قبولی شما در آن رشته برای یکسال محفوظ خواهد ماند. شما رشته کتابداری را در دو ترم باقیمانده تمام کنید و بعد اگر باز هم مصمم به ادامه تحصیل در آن رشته بودید آن را ادامه دهید.

بدین گونه بود که با توصیه سازنده، روشن بینانه و



وقتی برای تنظیم برنامه تدریس به دانشکده علوم تربیتی رفتم، متوجه شدم سرکار خانم دکتر انصاری برای یکی از درس‌ها درس خودشان را به من محول فرموده‌اند و نکته مهم اینجاست که تمام جزوه‌ای را که تهیه و در کلاس تدریس می‌فرمودند، تماماً در اختیارم قرار دادند

انصاری فرمودند که اگر تلاشی در این زمینه انجام شود مناسب خواهد بود. بدین ترتیب تا درس‌های سوم و چهارم کتاب انگلیسی کتابداری همکاری مستمر خود را معطوف تدوین این کتاب فرمودند که بعد به علت مشغله زیاد این همکاری دوام نیافت، اما ایجاد انگیزه و برداشتن قدم‌های اولیه که در شروع هر کار بسیار مشکل است را مرهون حمایت‌های باحوصله، وقت‌گیر و دقیق ایشان هستم و اصولاً اگر اعتبار علمی و شخصیتی ایشان نبود نه خانم دکتر صفارزاده و نه سازمان سمت‌شناختی برای تألیف کتاب از این جانب داشتند و همین حمایت‌ها موجب شد که نه تنها کتاب اول و دوم انگلیسی کتابداری تدوین شود، بلکه بر همین قیاس کتاب سوم انگلیسی کتابداری را هم دانشگاه تهران منتشر کرد.

باتوجه به حمایت‌های برشمرده فوق برای هر خواننده این تفکر محقق می‌شود که خود نیز به نوعی از حمایت‌ها، هدایت‌ها و تلاش‌های این استاد فرزانه مهربان، خلیق و نوع دوست واقعی یا در دوران تحصیل، یا به عنوان یک کتابدار یا به عنوان پدر و مادری یا حتی به عنوان یک کودک و نوجوان از تألیفات، سخنرانی‌ها و تلاش‌های شورایی ایشان در تدوین فرهنگنامه کودکان و نوجوانان بهره‌مند شده و از نظریات عالمانه ایشان سود جسته و هدایت شده است.

اما آیا چند نفر از استادان ما در دانشگاه‌های این آب و خاک از چنین خوی و خصلت انسانی بهره‌مند هستند و چنین ایثارگونه نسبت به همه رفتار می‌کنند و سبب می‌شوند اطرافیان نشان‌الگوی مشخص و موجهی برای تلاش به سوی کمال خود داشته باشند. واقعاً جوانان ما نیازمند شناخت و در جست‌وجوی داشتن چنین الگوهای صادق و راستین هستند.

ایشان در یکی از جلسات که به مناسبتی به کتابخانه مرکزی تشریف آوردند فرمودند می‌توانید در گروه کتابداری تدریس داشته باشید و وقتی برای تنظیم برنامه تدریس به دانشکده علوم تربیتی رفتم، متوجه شدم سرکار خانم دکتر انصاری برای یکی از درس‌ها درس خودشان را به من محول فرموده‌اند و نکته مهم اینجاست که تمام جزوه‌ای را که تهیه و در کلاس تدریس می‌فرمودند، تماماً در اختیارم قرار دادند و راهنمایی‌های لازم جهت تنظیم برنامه درسی و اداره کلاس را فرمودند و مرتباً در خلال جلسات جوایب پیشرفت کار تدریس و وضعیت کلاس بودند و در انتهای ترم فرمودند جزوه یکی از دانشجویان را دیدم از محتوای درسی و پیشرفت کار راضی هستم و بدین طریق بود که این کمترین در کار کتابداری شهامت کرد به عنوان مدرس کتابداری در کلاس‌های دیگر حاضر شود و تاکنون هم برای هرگونه مشاوره و راهنمایی در کار تدریس و بخصوص انجام تحصیل در مقطع دکتری کتابداری مرهون توصیه‌های دلسوزانه و راهنمایی‌های حمایت‌کننده ایشان بوده‌ام.

و اما آخرین حمایت و جرأت دادن و دلگرم کردنی که ایشان انجام دادند و نتیجه آن تا به امروز ادامه دارد تدوین کتاب انگلیسی کتابداری است. روزی در جلسه کتابداران در منزل استاد روانشاد سرکار خانم انوار به من فرمودند سرکار خانم دکتر صفارزاده مدیر گروه تدوین کتاب‌های زبان تخصصی سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت) پیشنهاد فرمودند، اکثریت کتاب‌های زبان را آقایان استادان می‌نویسند، شما خانم‌ها هم اقدامی در زمینه کتاب تخصصی خودتان انجام دهید. چون در آن زمان تدریس زبان انگلیسی کتابداری را در دانشکده علوم تربیتی به عهده داشتم سرکار خانم دکتر